



محيى الدين بن العربي

التجليات الالهية

همراه با

تعليقات ابن سودكين

و

كشف الغايات في شرح ما اكتفت عليه التجليات

تحقيق

عثمان اسماعيل يحيى

مرکز نشر دانشگاهی

طهران، ۱۴۰۸هـ/۱۹۸۸م

فلسفه

۱۹

مرکز نشر دانشگاهی

۳۶۹



کتاب التجلیات الالهیه

محبی الدین بن العربی

تحقیق عثمان اسماعیل محبی

مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۶۷

تعداد ۲۰۰۰

۲۵۰۰ ریال

چاپ و صحافی: شرکت افست «سهامی عام»

فهرس الكتاب

بنج	مقدمة فارسي
٢	مقدمة المحقق
٨٧	نص الكتاب
٥٣٧	فهارس الكتاب
٥٣٧	فهرس الآيات القرآنية
٥٤٧	فهرس الاحاديث
٥٥١	فهرس الروايات والاحبار والامثال
٥٥٤	فهرس الاشعار
٥٥٩	فهرس الاصطلاحات الصوفية والفلسفية والعلمية
٦٠٦	فهرس عمومي
٦٥٩	فهرس المراجع

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مقدمه فارسی

این کتاب مشتمل است بر *التجلیات الالهیه* از شیخ اکبر ابن عربی (۶۳۸-۵۶۰) و شرح آن به نام *کشف الغایات فی شرح ما اکتفت علیه التجلیات* از مؤلفی ناشناخته و تعلیقات ابن سودکین (۶۴۶-۵۷۹) بر آن، که با مقدمه و حواشی استاد عثمان یحیی نخستین بار در ۹ شماره از *مجله المشرق* (۶۷-۱۹۶۶) در بیروت به چاپ رسیده بود. تصحیح دقیق و مقدمه عالمانه استاد عثمان یحیی در تحلیل کتاب و بررسی مبحث «تجلیات» و «توحید» و نیز حواشی محققانه و پرفایده او اهمیتی خاص به این کتاب بخشیده است. و دروغ بود که چنین اثری نفیس در صحایف پراکنده مجله‌ای دیرپا مستور و مهجور بماند. اینک متن کامل کتاب تحت نظر مصحح دانشمندش پس از تصحیح اغلاط مطبعی عیناً به طریق افست به چاپ می‌رسد. مزیت بزرگ این چاپ فهرس متنوع و دقیقی است که آقای عثمان یحیی خود برای آن تهیه کرده و در تهران به طبع رسانیده است. برای تعمیم فایده خلاصه بخشی از مقدمه مصحح را که درباره متن و شرح و حاشیه *التجلیات* است در اینجا می‌آوریم.

کتاب *التجلیات الالهیه* از جمله آثاری است که ابن عربی در اوائل اقامتش در مشرق اسلامی و قبل از استقرار در دمشق (در سال ۶۲۰) تألیف کرده است. تاریخ دقیق تألیف آن معلوم نیست. ولی چون بر یکی از نسخ خطی آن سماعهایی است به تاریخ ۶۰۶ و ۶۱۷ و ۶۲۷، باید قبل از تاریخ ۶۰۶ نوشته شده باشد. ابن عربی در *فهرس المصنفات* خود که آن را در سال ۶۲۷ در دمشق نوشته نام این کتاب را آورده است و نیز در *اجازه‌اش به الملك المظفر* (نیز معروف به *الملك الاشرف*، متوفی ۶۳۵) مورخ به سال ۶۳۲ از *التجلیات* یاد کرده است.

اما تعلیقات ابن سودکین^۱ بر کتاب التجلیات در واقع تألیف او به معنی دقیق کلمه نیست. امالی و تقریراتی است از شیخ او ابن عربی. در سال ۶۱۰ یکی از عالمان حلب بر کتاب التجلیات زبان طعن گشود و بر مواضعی از آن (احتمالاً در مسأله توحید و مخالفت ابن عربی با صوفیه متقدم در این باب) انگشت نهاد. شیخ اکبر در آن هنگام در حلب نبود و چون بدانجا بازگشت (در سال ۶۱۰ یا ۶۱۱) ابن سودکین ماجرا را بر او عرض کرد و اعتراضات را باز گفت. شیخ در توضیح و تبیین مشکلات بیاناتی کرد و ابن سودکین آن افادات را نوشت و فراهم نهاد.

درباره کتاب کشف الغایات فی شرح ما اکتفت علیه التجلیات که شرحی است بر التجلیات الالهیه، متأسفانه آگاهی نداریم. نه مؤلفش را می‌شناسیم و نه زمان و مکان و انگیزه تألیفش را. نه در متن کتاب نشانه و اشاره‌ای به هویت مؤلف هست و نه در تنها نسخه شناخته شده از آن که در کتابخانه ملی پاریس محفوظ است. بر وکلیمان در تاریخ ادبیات عرب (ذیل، ج ۲ ص ۲۸۴) از کتابی نام می‌برد به عنوان کشف الغایات شرح کتاب التجلیات که نسخه‌ای از آن که در کتابخانه رامپور هند است به شیخ عبدالکریم جیلی (متوفی ۸۲۰) نسبت داده شده است، ولی بر او معلوم نبوده که این کتاب شرحی است بر التجلیات الالهیه ابن عربی یا نه. ما نیز، چون متأسفانه نتوانستیم بر این نسخه اطلاع یابیم، در این باب نمی‌توانیم داوری کنیم.

خصایص کتاب التجلیات - شیوه خاص کتاب التجلیات در ادای معانی و تصویر افکار نه فقط در میان آثار ابن عربی بی‌مانند است، بلکه در میان آثار ادبی عرب نیز از نوادر به‌شمار می‌رود و از نظر ادبی محض می‌تواند با رساله الغفران ابوالعلاء معری (متوفی ۴۴۹) همسری کند. فصول کتاب درباره «توحید حقیقی» است در قالب گفت و گو بین ابن عربی و مشایخ متقدم صوفیه. در این گفت و گوها ابن عربی در «حضرتی از حضرات حق و مشهدی از مشاهد قدسی» به صورت شخصی غریب از زمان و مکان جلوه می‌کند که با خود امانتی دارد، امانتی علمی که بر قدما و معاصران مجهول مانده بوده است. هر يك از مشایخ را می‌بیند درباره مسأله توحید و مظاهر گونه‌گون و جوانب پیچیده‌اش بتجاهل سؤالی می‌کند و سپس خود جوابی می‌گوید. از جمله این گفت و گوهاست سخن او با شیخ الطائفه جنید درباره «توحیدالر بوبیه» و با حلاج

۱. شیخ شمس‌الدین ابوالطاهر اسماعیل بن سودکین [سودکین؟] بن عبدالله النوری متولد ۵۷۹ در مصر و متوفی ۶۴۶ در حلب، از شاگردان و مریدان شیخ اکبر بوده است.

درباره «تجلی‌العلیه» و با ذوالنون درباره «تنزیه و تشبیه». و در بسیاری از موارد عجز مشایخ و علو سخن شیخ اکبر تصویر شده است. سهل تستری از درك معنی «سجودالقلب الی الابد» ناتوان می‌نماید و مرتعش در معنی «توحید حقیقی» به حیرت فر و می‌ماند.

مباحث این کتاب حول دو موضوع اساسی «توحید» و «تجلیات» است که پایه‌های مذهب عرفانی ابن عربی به‌شمار می‌رود و شیخ اکبر در این هر دو موضوع دارای نظریات خاصی است که از جهت عمق و اصالت و جامعیت ممتاز است. مباحث «تجلیات» در این کتاب پراکنده و جای‌جای همراه با ایجاز و ابهام آمده است ولی موضوع «توحید» بتفصیل تحلیل و تصویر شده است. اگرچه شیخ اکبر در آثار دیگرش نیز به‌نظریه «توحید» اهمیتی خاص داشته است و لیکن در این کتاب مسأله توحید از هر دو جهت شکلی و موضوعی به‌طرزی بدیع بحث و بررسی شده و با مشایخ سلف و صحابه کرام در آن باب گفت و گوشه شده است. ابن عربی از خلال محاوراتش با مشایخ صوفیه بر آنست که بگوید که مسأله مهم توحید آن‌چنان که باید محل توجه و اهتمام نبوده و مباحثش با دقت کافی تبیین و تحقیق نشده است. اگرچه مشایخ سلف، دور از تعطیل و تشبیه متکلمان افراطی و تفریطی، به فکر و اراده و حس و ذوق دروادی توحید مخلصانه گام نهادند ولی شیخ اکبر آنان را در برابر مقتضیات عظیم توحید و مشکلی موفق نمی‌شمرد. به‌گفته او هر چند آنان در «توحید الوهی» فرافتند و معانی و اسرارش را دریافتند ولی به قله توحید و کمال آن که «توحید وجودی» است نرسیدند.

معرفی نسخه‌های خطی

تصحیح و تحقیق کتاب التجلیات الالهیه و تعلیقات و شرحش بر اساس چند نسخه خطی انجام شده است که توصیف آنها در زیر می‌آید:

آ) در تصحیح کتاب التجلیات الالهیه از شش نسخه خطی استفاده شد:

۱. نسخه W، نسخه خطی کتابخانه ولی‌الدین (استانبول) به شماره ۱۷۵۹ که در جزء مجموعه‌ای است از آثار ابن عربی که ظاهراً به‌خط خود اوست. کتاب التجلیات از ورق ۳۰ آ این مجموعه آغاز می‌شود و در ورق ۶۱ به‌انجام می‌رسد. این مجموعه دارای دو سماع است به‌تاریخ ۶۱۷ و ۶۲۷. خط متن کتاب مغربی و خط سماعات نسخ است و قطع این نسخه ۲۵×۲۰ سم است.

۲. نسخه Y، نسخه خطی دیگری از کتبخانه ولی‌الدین به شماره ۱۶۸۶ که در

ضمن مجموعه‌ای است (ورق ۳۸ ب- ۵۲ ب) به قطع ۱۸×۲۲ سم و به خط نسخ. ۳. نسخه E، نسخه‌ای است محفوظ در کتابخانه سلیمانیه (استانبول) به شماره ۱۵-۱/۳۵۵۹ در ضمن مجموعه‌ای به قطع ۲۰×۲۵ سم و به خط نستعلیق ریز دشوارخوان.

۴. نسخه P، نسخه کتابخانه ملی پاریس است به شماره A۶۶۱۴ در ضمن مجموعه‌ای (ورق ۱۷۶- ۱۱۰۵) به خط نسخ خوش خوانا.

۵. نسخه R، نسخه دیگری است از کتابخانه ملی پاریس به شماره A۶۶۴۰/ ۱۲۶- ۱۵۶، و به خط دیوانی و به قطع ۱۷×۲۳ سم.

۶. نسخه H، نسخه کتابخانه آصفیه حیدرآباد دکن. براساس این نسخه کتاب التجلیات در ضمن رسائل ابن العربی که به اهتمام دائرة المعارف العثمانیه در ۱۳۶۷ هـ ق/ ۱۹۴۸ م در حیدرآباد منتشر شده به طبع رسیده است و کتاب التجلیات بیست و سومین رساله آن مجموعه است که در جلد اول (در ۵۳ صفحه) آمده است.

ب) در تصحیح تعلیقات ابن سودکین از این نسخ استفاده شد.

۱. نسخه F، نسخه کتابخانه فاتح (استانبول) به شماره ۱/۵۳۲۲- ۱۳۷ در ضمن

مجموعه‌ای که تاریخ کتابت یکی از رسائل آن ۹۴۷ است.

۲. نسخه B، نسخه کتابخانه ملی برلین به شماره ۱۲۳۰ به عنوان «شرح التجلیات

لابن سودکین النوری» به قلم علی بن زکریا بن یحیی الآقسائی به تاریخ آخر جمادی الاولی ۷۳۲. به خط نسخ.

۳. نسخه V، نسخه کتابخانه ملی وین به شماره A۳۸۹ به قلم محمد بن محمد المیدانی

مشهور به ابن زاده در تاریخ پنجشنبه ۹ ربیع الثانی ۱۱۴۱، به خط نسخ واضح و دارای تصحیحاتی در حاشیه.

ج) تصحیح کتاب کشف الغایات فی شرح ما اکتفت علیه التجلیات براساس یک

نسخه انجام شده است که در کتابخانه ملی پاریس، در ضمن مجموعه شماره A۴۸۰۱

محفوظ است. این مجموعه مشتمل بر دوازده رساله است که نخستین آنها (ورق ۱-

۱۹۶) کشف الغایات است. رساله‌های دیگر نیز همه عرفانی است و چنین می نماید که از

مؤلف واحدی است. ولی در هیچ یک اشاره‌ای به نام مؤلف نیست و در مراجع و منابع نیز

ذکری از آنها نیامده است.

احمد طاهری عراقی

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ .

السلام عليك يا فاطمة الزهراء
يا ذات الطهر والنور والصفاء
السلام عليك يا أم الشهداء
يا ذات الحزن والنصمت والبلاء

السلام عليك يا أم ابينا
وكهف بنينا
وسلوى ذوبنا
وسر الكعبة لطائفنا
وروح الروضة لزارتنا
وبركة النار ومن حولها ومن فيها

السلام عليك يا شجرة الولاية
وركن الامامة والوصاية
ونهج الكرامة والرعاية
وعلم الساعة ورمز القيامة

السلام عليك يا تربة الجنان
ومادة رقائق الجنان
لذوي الايمان والعرفان
وروحانية القرآن
لاهل الذوق والبيان
وقرة العين وانس العيان

ألهمي يا أماه يا حبيبة
فتاة العروبة في بعثها
وفتاة الاسلام في تحريرها
وفتاة البشرية في تكاملها
وكوني لمن جميعاً كما انت في نفسك
بسمة الرجاء في ملكوت السماء
ونجم الاهتداء للنور والمجد والعلاء
ومثال الاقتداء في الطهر والصبر والولاء

ألهمي يا أماه يا صديقة
فتى العروبة محو الظلم والظلمات
ألهميه اشاعة الحق والعدل والواجبات
ألهمي فتى الاسلام تحطيم القيود والاعلال
ألهميه الانطلاق الى عالم الخلد والمثال
ألهمي فتى البشرية معنى الود والسلام
ألهميه روح الاخاء والحب والوثام
وكوني لمن جميعاً كما انت في نفسك
مثل التضحية والفداء
ورمز العزم والمضاء
في الليلة الظلماء
تجاه العقبة الكأداء

سلام عليك يا فاطمة في الاولين
سلام عليك يا زهراء في الآخريين
سلام عليك يا صديقة في كل حين
سلام عليك ابد الأبدين . - آمين !

(عثمان يحيى، مجلة المشرق: كانون الثاني - شباط: ١٩٦٦ / بيروت)

التجليات الالهية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمة عامة

الأثار الصوفية التي نعدّها اليوم بقصد النشر ، كلها من مخطفات الشيخ محيي الدين^(١) ابن عربي (العربي)^(٢) واتباعه الاقربين . انها تنظم كتاب «التجليات الالهية» للشيخ^(٣) الاكبر نفسه ، و «تعليقات ابن سودكين»^(٤) .

(١) اسمه الكامل : ابو عبدالله ، محمد بن علي بن محمد بن العربي ، الحاتمي الطائي ولد في ١٧ من رمضان ، سنة ٥٦٠ (= ١١٦٥/٧/٢٨ م .) في مرسية ، وتوفي في ٢٦ من ربيع الثاني سنة ٦٣٨ (= ١٢٤٠/١١/١٦ م .) بدمشق . - ترجمته والمصادر عنه في «معجم» المستشرق الكبير بروكلان (G.A.L. I, 571, n° 23) وفي «الملحق» (Supp. I, 790-791) ؛ - وفي مقدمة «فهرس مصنفات ابن عربي» نشر الاستاذ كوركيس عواد ، «مجلة المجمع العلمي العربي بدمشق» (مجلد : ٢٩ ، عدد : ٣ ، سنة ١٩٥٤) ؛ - وفي «Histoire et classification de l'œuvre d'Ibn 'Arabî» par Osman YAHYA, Tome I, pp. 113-135 (Institut Français de Damas, 1964) (en abrégé: l'œuvre d'Ibn 'Arabî).

(٢) «ابن العربي» هي التسمية الواردة عن المؤلف نفسه وعن اتباعه ومؤرخيه القدامى . «ولكن بدأ يعرف بابن عربي لدى اهل المشرق» للفرقة بينه وبين الفقيه المالكي ، القاضي أبي بكر ، محمد بن عبدالله الاشبيلي ، المعافري ، المتوفي عام ٥٤٦ . انظر «نفع الطيب» للمقري (I, 567/82) (نقلًا عن : GAL. I, 571) ، في صدر ترجمته للشيخ الاكبر ؛ - وانظر ايضاً «ترجمة المؤلف» الملحقه بآخر كتاب «الفتوحات المكية» ، طبعة القاهرة سنة ١٣٢٩ هجرية ؛ وايضاً : «ملحق بروكلان» (Supp. I, 790) ، تعليق رقم ١ .

(٣) بدأ انصار ابن عربي منذ عصر متأخر (ابتداء من اواسط القرن العاشر الهجري ، على ما يظهر) يطلقون على شيخهم لقب «الشيخ الاكبر» . وهذا لم يكن اعتباراً : انه القرن الذي شيد فيه ضريحه العظيم - وبجواره المسجد الذي يحمل اسمه ايضاً - في صالحية دمشق ، بأمر السلطان العثماني سليم الأول ، بعد فتحه المدينة (سنة ٩٢٢ هجرية) ، انظر : «Islamologie» par F. M. Pareja, p. 214 (Beyrouth, 1957-1963) . ولعل هذا كان في نظر اتباعه بمثابة «رد اعتبار» لمقام الشيخ ، الذي درس قبره ، بل اصبح مرمى للقاذورات .

(٤) هو الشيخ الزاهد ، ابو الطاهر ، شمس الدين اسماعيل بن سودكين (أو سودكين) بن عبدالله النوري . ولد بمصر سنة ٥٧٩ (أو ٥٧٨) وتوفي بحلب سنة ٦٤٦ . انظر ترجمته في «تكملة اكمال الاكمال في الانساب والاسماء والألقاب» لجمال الدين ابي حامد ، محمد بن علي المحمودي ، المعروف بابن الصابوني ، المتوفي سنة ٦٨٠ ، ص : ٧٣-٧٤ ، نشر الدكتور مصطفى جواد ، من مطبوعات المجمع العلمي العراقي سنة ١٣٧٧/١٩٥٧ . وانظر ايضاً : «الجواهر المضية في طبقات الحنفية» لعبد القادر بن محمد القرشي ، المتوفي سنة ٧٧٥ ، الجزء الأول ، ص : ١٥١ ، طبع «حيدرآباد» سنة ١٣٣٢ ؛ - «شذرات الذهب من اخبار من ذهب» لابن العماد الحنبلي ، المتوفي سنة ١٠٨٩ ، نشر مكتبة القدس ، القاهرة سنة ١٣٥٠ ؛ - (وانظر اخيراً المتوفى سنة ٨٠٨ ، نشر الاستاذ الفاضل محمد بن تاويت الطنجي ، من مطبوعات جامعة انقرة ، رقم ٢٢ ، سنة ١٩٥٨ ، ص : ٥٩ ، تعليق : ٣ .

عليها ، و « كشف الغايات في شرح ما اكتنفت عليه التجليات » لمؤلف مجهول . فهي اذن - أعني هذه النصوص - تدور جميعاً حول كتاب « التجليات الالهية » متناً وشرحاً وتعليقاً .

« التجليات الالهية » و « التعليقات » عليها .

لا ادري حتى الآن تاريخ تأليف كتاب «التجليات»^(١) اعلى وجه التحديد، ولا المكان الذي حرر فيه ، ولا الظروف التي دعت الى انشائه . وكل ما لدينا من وثائق في هذا الصدد هي ثلاثة «سماعات»^(٢) على الكتاب السالف الذكر « السماع » الأول بمدينة حلب سنة ٦٠٦ للهجرة^(٣) ، و « السماعان » الآخراين

(١) بخصوص كتاب «التجليات الالهية» انظر :

Osman YAHYA «L'œuvre d'Ibn 'Arabî», II, pp. 488-491.

(٢) « السماعات » - مفردا « سماع » - أو « إجازات السماع » هي ، كما يرى الاستاذ المحقق صلاح الدين المنجد : « صورة من الصور التي عرفها (علمائنا) القدامى عن « الشهادات العلمية » التي تمنح اليوم (في المعاهد والجامعات) » . أنها في غاية الالهية من ناحية تاريخ العلوم والآداب عند المسلمين الاوائل . - والفرق بين « السماعات » قديماً و « الشهادات العلمية » اليوم ، « ان الأولى شهادات فردية تثبت عند سماع كتاب واحد ، وان الثانية تمنح لمجموع من الدروس يقرأها الطالب » . - هذا ، ويجب « تمييز اجازة السماع من اجازة الاقراء . فهذه ينص فيها على ان شيخاً قد أقرأ طالباً كتاباً ما فقط ، او ان طالباً قرأ على شيخ هذا الكتاب . اما في اجازة السماع فلا بد من سامعين غير القارئ » . - انظر هذا كله في : « اجازات السماع في المخطوطات القديمة » لمدكتور صلاح الدين المنجد ، مجلة « معهد المخطوطات العربية » ، المجلد الأول ، الجزء الثاني ، ص : ٢٣٢-٢٥١ (القاهرة سنة ١٩٥٥) . ويصرح الاستاذ المنجد في مقالته بقوله : « ولم ار فيما طالعت من مخطوطات اجازة سماع من القرن الثالث او الرابع ، ولكني رأيت اجازة قراءة من القرن الرابع » (المقال المتقدم، ص: ٢٣٢-٢٣٣) . - هذا ، ويحسن الرجوع الى المصادر الآتية للامام بهذا الموضوع الهام في الثقافة الاسلامية :

— H. RITTER, *Autographs in Turkish Libraries*, dans *Oriens* VI, 1953, 63-90.

— G. VAJDA, *Quelques certificats de lecture dans les Manuscrits arabes de la B. N. de Paris*, dans *Arabica*, 1, 3, 1954, 337-342.

— S. M. STERN, *Some manuscripts of Abul-'Alā' al-Ma'arrî*, dans *Oriens* VII, 1954, 322-347.

— G. VAJDA, *Les certificats de lecture et de transmission dans les Mss. arabes dans la B. N. de Paris*, éd. C.N.R.S. 1957.

(٣) نص السماع : « قرأ عليّ كتاب التجليات صاحبنا البرهان ابو محمد، عبدالله بن علي بن احمد الخولاني . وكتبه المصنف سنة ست وسبائة بمدينة حلب » . - وهذا « السماع » مسجل على هذا الكتاب ، المحفوظ في مكتبة الاوقاف ببغداد ، رقم : ٤٨٢٧ (نقلاً عن « المستدرك » للأستاذ كوركيس عواد ، المنشور في « مجلة المجمع العلمي العربي بدمشق » ، سنة ١٩٥٥ ، مجلد : ٣٠ عدد : ٢ ، كتاب رقم : ٣٥ ، تعليق رقم : ٩) .

بدمشق سنة ٦١٧ و ٠٦٢٧ -^{١)} هذا ، وقد صرح ابن عربي نفسه بذكر كتاب « التجليات الالهية »^{٢)} في « فهرس المصنفات » الذي وضعه بمدينة دمشق عام ٦٢٧ للهجرة ، استجابة لرغبة تلميذه وريده صدر الدين القونوي^{٣)} ؛ كما صرح بذكر الكتاب ايضاً في « اجازته للملك المظفر^{٤)} » عام ٦٣٢ في نفس المدينة .

اما « تعليقات ابن سودكين النوري على التجليات »^{٥)} فنحن على علم

(١) سيأتي ذكر هذين الساعين فيما بعد : (الفقرة الخاصة بالاصول الخطية ، آخر هذه المقدمة) .
(٢) رقم كتاب « التجليات الالهية » في « فهرس المصنفات » : ١٨٢ . - وقد نشر هذا « الفهرس » الاستاذ الدكتور ابو الملا عفيفي في « مجلة كلية الآداب بجامعة الاسكندرية » (عدد ديسمبر ، مجلد : ٨ ، عام ١٩٥٤) ؛ كما نشره ايضاً الاستاذ كوركيس عواد في « مجلة المجمع العلمي العربي بدمشق » (مجلد : ٢٩ ، عدد : ٤٤ ، عام ١٩٥٤) - مجلد : ٣٠ ، عدد : ١ ، عام ١٩٥٥) . انظر - تحليل « فهرس المصنفات » في « *L'œuvre d'Ibn 'Arabī* » I, pp. 39-47.

(٣) صدر الدين ، ابو المعالي محمد بن اسحق بن محمد القونوي . من المع الشخصيات في عالم الفكر الاسلامي ، في الميدان الصوفي وفي الميدان الفلسفي على السواء . له تصانيف عديدة وهامة ، بالعربية والفارسية . لم يدرس حتى الآن ، ولم ينشر من تواليه سوى تفسير الفاتحة . - ولادته في قونية عام ٦٠٧ ووفاته فيها ايضاً عام ٦٧٢ . ومكتبته الخاصة ، بما فيها مصنفاته ، لا يزال القسم الكبير منها محفوظاً في المكتبة الوطنية بمدينة قونية (مكتبة يوسف آغا ، بجوار الزاوية المولوية الكبرى) . وقد اتيح لنا زيارة هذه المكتبة والاستفادة من ذخايرها ، مراراً . - وترجمة صدر الدين القونوي والمراجع عنه وذكر تأليفه ، في معجم بروكلمان « وفي « الملحق على المعجم » : *G.A.L. I, p. 588; Supp. I, p. 807.*

(٤) العنوان الكامل لهذه الاجازة : « اجازة الشيخ محي الدين بن العربي ... للملك المظفر ، بهاء الدين غازي بن الملك العادل اي بكر ايوب » ؛ ورقم كتاب التجليات في هذه « الاجازة » : ٢٢٣ . - وقد نشرت هذه الاجازة ، بعناية الاستاذ الدكتور عبد الرحمن بدوي ، في مجلة « الاندلس » ، التي تصدر بمديرة ، عام ١٩٥٥ ، العدد الأول ، وصدرت بمقدمة باللغة الاسبانية بقلم الباحث الكبير الدكتور بدوي ، وعنوان الاجازة : « *Antobibliografia d'Ibn 'Arabī* » vol. XX, Fasc. 1, pp. 107-128. هذا والمملك المظفر هو المعروف بالملك الاشرف ، المتوفى بدمشق ، عام ٦٣٥ هـ . انظر وفيات الاعيان ... رقم ٧٢٠ ؛ وشذرات الذهب ... ١٧٥/٥ - ٧٦ .

وانظر ايضاً تحليل هذه « الاجازة » في : « *L'Œuvre d'Ibn 'Arabī* », I, pp. 48-55.

(٥) عنوان هذا الكتاب كما ورد في معظم النسخ : « شرح التجليات للشيخ اسماعيل بن سودكين النوري » . - والواقع ، ان هذه « التعليقات » ليست من وضع ابن سودكين نفسه ، اعني ليست تأليفاً له بالمعنى الصحيح . بل هي تلخيص لشرح ابن عربي على كتاب « التجليات » ، الذي اضطلع به بناء على طلب اتباعه ذلك ، اثناء وجوده في مدينة حلب عام ٦١٠ او ٦١١ (انظر آخر صدر « التعليقات » لابن سودكين) . - والنسخ الموجودة حالياً لهذا الكتاب هي : مخطوط مكتبة الفاتح (اسطنبول) رقم : ١/٥٣٢٢-٣٧ ؛ - مخطوطا فيينا ، رقم : ٣٨٩ ، ورقم : ١٩١١ ؛ - مخطوط مغنيسا (تركيا) ، رقم : ١١٩١/١٦٦-١٩٨ ؛ - مخطوط فيض الله (اسطنبول) ، رقم : ٢١١٩/١٢٥-١٧٣ ؛ - مخطوط برلين ، رقم : ١٢٣٠ ؛ - مخطوط

تام بها من حيث الزمان والمكان والمناسبة التاريخية . كما نحن على علم ايضاً بالشخصية الحقيقية لصاحب هذه « التعليقات » . فابن سودكين يذكر جميع ذلك في صدر كتابه . بل يضيف الى هذا كله فينص على اشياء من طبيعتها ان توضح لنا جوانب من تفكير الشيخ الاكبر ، وتلقي الضوء على بعض المشاكل التي يثيرها كتاب « التجليات الالهية » . فلنترك المجال هنا لابن سودكين يقص علينا نبأ هذا كله بأسلوبه الخاص :

« ... ولما وقف بعض من كنت اظنه خليلاً ... على هذا الكتاب المسمى بـ « التجليات » ... قال : اكاد اقسم بالله ان هذا ظلم وعدوان^١ ... وكان ذلك سنة عشرة وستماية بحلب . وكان شيخنا - رضى الله عنه ! - غائباً . ولما قدم بعد مدة اعلمته بما ذكر ذلك الخائب^٢ . ولاعتنائى بالقضية قصدت تحقيق المسألة مع (سيدي) الشيخ ، مع ما عندي فيها من علم اليقين ...

جارالله (اسطنبول) ، رقم : ١٠٩٢ / ١٦١ / ٢٠٥ (والكتاب منسوب هنا خطأ الى صدر الدين القانوني) ؛ - وانظر ايضاً « معجم بروكلمان (G.A.L., I, 578/83-86) و « ملحق بروكلمان » (Supp. I, 788, 86) وانظر كذلك : L'Œuvre d'Ibn 'Arabi», II, pp. 490-491 . - أما المراجع عن ابن سودكين فقد ذكر بعضها في التعليق المتقدم رقم : ٤ . - اما مؤلفاته المعروفة الآن فهي : (١) « شرح الفص الادريسي » ، مخطوط مكتبة الفاتح ، رقم : ٥٣٢٢ / ٢١٧ - ٢٢٦ - ٤ (٢) « شرح المشاهد القدسية » ، مخطوط مكتبة الفاتح ، رقم : ٥٣٢٢ / ٢٠١ - ٢١٤ - ٤ (٣) « كتاب النجاة من حجب الاشياء » ، مخطوط مكتبة الفاتح ، رقم : ٥٣٢٢ / ١٦٩ - ٢٠١ ، ومخطوط جامعة اسطنبول ، رقم : ٣١٨٤ / ٢٩٢ ... ٤ - ٤) « كتاب المسائل » ، مخطوط مكتبة ازميرلي اسماعيل حقي (اسطنبول) ، رقم : ٣٣٩٠ - ٤ (٥) « لوائح الانوار ولوامع الاسرار » ، جاء ذكره في « شرح صلاة ابن ميثم » لمصطفى البكري ، المسمى بـ «الروضات العرشية في الكلام على الصلاة المشيشية» ، مخطوط جامعة اسطنبول ، رقم : ٥٥٢ / ٩١ - .

(١) يريد بذلك موقف ابن عربي الخاص في كتاب « التجليات » في مسألة « التوحيد » ومخالفته بذلك معظم الصوفية المتقدمين . وهذا العالم الحلبي لم يكن الوحيد في رده على « كتاب التجليات » . فابن تيمية لا يتحاشى عن وصمه بكتاب « التخييلات الشيطانية » (انظر كتاب : «القول المنبئ عن ترجمة ابن العربي» ، لمحمد بن عبد الرحمن ... السخاوي ، المتوفى عام ٩٠٢ للهجرة ، نسخة برلين ، رقم : ٥٩ / ٢٨٤٩) . - هذا ، ويرى استاذنا المستشرق الكبير ، المأسوف عليه ، لوريز ماسنيون ، ان نظرية التوحيد التي عرضها ابن عربي في « تجلياته » مبنية في اساسها على عدم التمييز بين الوحدة العددية (Unité arithmétique) والوحدة الذاتية (Unité ontologique) ، انظر : « Recueil de textes inédits, Paris 1929, p. 189, note n° 2. »

(٢) في مثل هذا الزمان تقريباً ، ولثل هذه المناسبة ، اعني لاعتراض بعض علماء مدينة حلب على ديوانه « ترجمان الاشواق » ، - بدأ الشيخ الاكبر في وضع شرح لديوانه المذكور ، بناء على طلب ابن سودكين وبدر بن عبدالله الحبشي . وسمي ذلك الشرح : « ذخائر الاعلاق » . بدأ فيه بحلب واتمه بعد ذلك بمكة . انظر تفصيل هذا في آخر الديوان ، نشر الاستاذ نيكلسون ، لندن ، الجمعية الملكية الاسيوية ، عام ١٩١١ ، ص : ٤٦ - ٤٧ .

« فقلت : يا سيدي ! قد ثبت عند العارفين ان الانسان نموذج صغير من العالم الكبير^(١) . وان لكل موجود من الممكنات ، في نسخة وجود العبد ، رقيقة^(٢) منبعثة عن اصل هو لها حقيقة^(٣) . فاذا اخذ صاحب الجمعية^(٤)

(١) الانسان «عالم» او «نموذج صغير» ، وهو صورة مصغرة من الكون بأسره الذي هو «عالم كبير» : هذه فكرة ذات أصل يوناني ، نفذت الى الأوساط الاسلامية بوساطة « اخوان الصفا» (انظر رسائل اخوان الصفا ، الجزء الثالث ، الصفحة ٣١) . والواقع ، ان هاتين اللفظتين : «عالم صغير» و «عالم كبير» ، هما الترجمتان الحرفيتان لكلمتي μακρός (= كبير) و κόσμος (= عالم) وكلمتي μικρός (= صغير) و κόσμος (= عالم) . - ويرى بعض المؤرخين ان الفكرة اول ما ظهرت في التراث الأغرقي عند علماء الفلك والطب ، كنظرية علمية ؛ ثم انتقلت الى اوساط الفلسفة الافلاطونية الجديدة (لا سيما المتأخرين منهم ك Proclus ، حيث احتلت لديهم دوراً كبيراً شبيهاً بنفس الدور الذي احتلته في التصوف الاسلامي والفلسفة الاشراقية . - بخصوص نفوذ الفكرة الى الاوساط الفلسفية الاسلامية عن طريق «رسائل اخوان الصفا» ، انظر : «تاريخ الاصطلاحات الفلسفية» لماسينيون (مخطوط) ص : ٣٣-٣٥ ؛ وبخصوص انتشارها في فلسفة العصور الوسطى المسيحية ، انظر :

«Vocabulaire technique et critique de la philosophie», par A. LALANDE, Presses Universitaires, Paris, 1956, article: *Macrocosme*.

(٢) « الرقيقة » في اصطلاح الصوفية المتأخرين : « هي الواسطة اللطيفة الرابطة بين شيتين . ويميز الصوفية بين انواع من « الرقائق » : فهناك ما يسمى برقيقة الامداد ، ورقيقة النزول ، ورقيقة العروج ، ورقيقة الارتقاء ، ورقيقة المناسبة ... الخ . انظر « كتاب لطائف الاعلام » ، مخطوط جامعة اسطنبول ، رقم : ٢٣٥٥ / ٨٥ . - اما « الرقائق » (حال استعمالها بالجمع) فهي « علوم السلوك ، وتسمى ايضاً بالطريقة . وسيمت الطريقة بالرقائق من جهة انها ترقق كثافة العبد فيرتقي بذلك الى مرتبة أهل الصفاء » (نفس المصدر المتقدم ، ورقة : ٨٥) .

(٣) هذا « الاصل » ، الذي « هو حقيقة كل رقيقة » ، هو « الوحدة » ، اذ لا تعين قبلها ؛ ويسمى هذا الاصل عندئذ : « اصل الحقايق » . وهناك ايضاً ما يسمى : « اصل انتشاء الحقايق » ، وهو : « حقيقة الوحدة بباطنها ، الذي هو عين « حقيقة الحقايق » ، في المرتبة الاولى بظاهرها ، الذي هو « البرزخية الثانية في المرتبة الثانية » ، التي هي « مرتبة اللوهمية » ... (انظر : « لطائف الاعلام » ، مخطوط جامعة اسطنبول ، رقم : ٢٣٥٥ / ٢١-٢١ب) .

(٤) « صاحب الجمعية » هنا هو « صاحب الهمة » . و« الهمة » ، كما يرى مؤلف « لطائف الاعلام » : « هي المنزل العاشر من « منازل الادوية » ... وهي التي تبعث السر على السير في « منازل المحبة » ... وتطلق الهمة بازاء جمع القلب لصفاء الالهام . وتطلق : بازاء تجريد القلب للمنى . وقد تطلق : بازاء اول صدق المرید . وتطلق : بازاء تعلق القلب بطلب الحق تعلقاً صرفاً ... » (مخطوط جامعة اسطنبول ، رقم : ٢٣٥٥ / ١٧٣ب-١٧٤) . انظر تحليل هذه الفكرة عند ابن عربي :

«L'Imagination créatrice dans le Soufisme d'Ibn 'Arabī», par H. CORBIN, pp. 165 ss. (éd. Flammarion, Paris 1958); — « Terre céleste et Corps de résurrection », par H. CORBIN, pp. 248, 360 (éd. Buchet/Chastel, Paris 1961).

وانظر : « فصوص الحكم » لابن عربي وتعليقات الاستاذ الكبير الدكتور ابو العلا عفيفي عليها (راجع : فهرس الموضوعات والمصطلحات ، مادة : مقام الجمعية ؛ الهمة ، جمعية الهمة) مطبعة : عيسى البابي الحلبي ، القاهرة سنة ١٩٤٦ (في جزئين بمجلد واحد) .

يقبل على رقيقة ما من رقائق نفسه ، فانها تَسْرَوَحَنَ بذلك التوجه الخاص ، حتى تكون مدركة لحسه .

« فاذا اخذ المحيي لتلك الرقيقة يناظرها في حقيقة الالهية او مسألة علمية ، كما جرى لسيدي (الشيخ) مع من اجتمع بهم في كشفه^(١) ... ، أو ليس من المقطوع به ان الذي قامت به تلك الرقائق هو لها الاصل الكلبي ، وهي له الفرع الجزئي ؟ ... فليس لها ، مما تجيبه به ، مدد إلا من إلقائه اليها ، ولا حياة إلا من اقباله الخاص عليها . فهي ، لهذا الارتباط ، فيما تجيب به ، مهورة ... فكيف يقتضي الانصاف ان يحكم بما ظهر من هذه الرقيقة الجزئية الموثقة على من هوها حقيقة كلية مطلقة ؟ وكيف يقطع على حقائقهم بما حكمنا به على ما قام في نسخة وجودنا من رقائقهم ؟

« ومعلوم ايضاً ، ان لنا في وجود كل انسان منهم ومن غيرهم رقائق روحانية^(٢) ، وان لها عليهم سلطنة وربانية . وحكمهم على ما قام بهم من رقائقنا كما هو الامر عند (نا) فيما حكمنا به عليهم بحقائقنا . فهم يناقضوننا في الأحكام . ويبقى الامر موقوفاً على نظر المحقق العلام . وقد اقر المنصفون من اهل هذا الطريق ان سيدي الامام ... عمدة لاهل التحقيق ...

« فلما سمع شيخنا - قدس الله روحه ! - مني هذا الخطاب أعجبه وقال : والله ما قصرت ولقد اتيت بالصواب^(٣) . لكن يا ولدي انما الشأن كله في معرفة

(١) يقول الشيخ صدر الدين القنوي ؛ « كان شيخنا ابن العربي متمكناً من الاجتماع بروح من شاء من الانبياء والأولياء الماضين على ثلاثة انحاء: ان شاء الله استنزل روحانية من في هذا العالم وأدرکه متجسداً في صورة مثالية ... وان شاء الله احضره في نومه ، وان شاء انسلخ عن هيكله » ، « شذرات الذهب » ، نشر نيكلسون ، الجمعية الملكية الاسيوية ، مجلد : ٢٥ ، عدد اكتوبر سنة ١٩٠٦ ، ص : ٨١٦ .

(٢) هذا الرأي الصوفي الخاص بـ « الرقائق الروحانية » شبيه جداً بقول الشيعة في « النور المحمدي » انه في مستوى الوجود ، اصل كل كائن سماوي او ارضي ؛ وفي مستون العلم هو اصل المعارف الغيبية التي يستمدتها عنه جميع الانبياء والورثة . انظر تفصيل ذلك في مقالة الاستاذ الكبير لويز ماسينون في « موسوعة الاسلام » ، النص الفرنسي ، المجلد الثالث ، ص : ١٠٢٧-١٠٢٨ ، مقالة : « نور محمدي : *Nūr Muhammadī* » .

(٣) يذكر ابن عربي في « الفتوحات المكية » ، انه استفاد من ابن سودكين بعض المسائل الالهية (الفتوحات ٢ المجلد الثاني ص : ٦٨١-٦٨٢ ، ط . القاهرة سنة ١٣٢٩ هـ) . كما انه استجابة لسؤاله ، وضع رسالته المسماة : « اعلى المراتب والاحوال التي تنتهي اليها هم الرجال » ، انظر : « مجموعة رسائل ابن العربي » ، المجلد الأول ، الرسالة رقم : ١٤ . ط . حيدرabad سنة ١٣٦٧ هـ .

أحكام المواطن والحضرات ، وفي التحقيق بذلك تتفاوت مراتب اهل الولايات . والذي حررته ، يا ولدي ، في امر الرقائق الجزئية ، القائمة بالحقائق الانسانية ، وكون الحكم (فيها) انما هو للكلي على الجزئي ، - فهذا حق في موطنه الخاص به وهو الحضرة النفسية^(١) وما يعطيه حكم النشأة الجامعة الانسانية .

«والذي ذكرناه في « كتاب التجليات » مما جرى بيننا وبين اسرار القوم ، انما كان في حضرة^(٢) حقية ومشاهدة^(٣) قدسية ، تجرد^(٤) فيها سري وسر من كوشفت به في حضرة الحق ، التي لا تقبل إلا مجرد التحقيق والصدق . ولو قدرنا اجتماعنا معهم في عالم الحس بالاجساد لما نقص الامر عما اخبرت به عنهم ولا زاد . والمعاملة ، يا ولدي ، مع ﴿القائم على كل نفس بما كسبت﴾^(٥) فيما يعمل او يقال . وهو - سبحانه ! - « عند لسان كل قائل »^(٦) « عدل او مال .

« وقد اوضحنا السر في ذلك في « الفتح المكي واللقاء القدسي »^(٧) ،

(١) « الحضرة النفسية » استعملت هنا في مقابل « الحضرة الحقية » و « المشاهدة القدسية » . وهي حالة الانسان الذي لا يزال في مستوى نفسه البشرية من حيث انفعالها وقبورها . فالانسان في هذه الحالة لم يرق بعد الى « مستوى القلب » ، الذي هو « عرش الرحمن » و « مجلي انواره » ولا الى « مستوى السر » الذي هو « مركز الاتحاد » الفائق بين الخالق والمخلوق .

(٢) « الحضرة الحقية » هي حضرة القلب الذي هو عرش الرب ومجلي انواره ومستودع اسراره . فهي حضرة لا تدنسها حظوظ النفس البشرية ولا تناهها وساوس الشيطان ، ومن ثم كانت محفوظة عن الخطأ او الشك .

(٣) « المشاهدة القدسية » هي المشاهدة المقدسة عن حظوظ النفس وخوارج الشيطان : انها مشاهدة صافية ، منزهة ، سامية .

(٤) التجرد او التجريد هو في عرف الصوفية ، « اماطة السوى والكون عن السر والقلب » (لطائف الاعلام ، مخطوط جامعة اسطنبول ، رقم : ٢٣٥٥ / ١٤٣) . ف « تجريد السر » من جانب العبد ، يقابل « لطف التجلي » من جانب الرب : اي انه مجهود يقوم به المرء ، عند تجلي انوار الحق عليه ، ليعبد عن طبيعة هذا التجلي كل ضرب من التحديد او اللبس او الاشتباه : فيبقى التجلي على صفاته بقدر تجرد القلب عن غشائه .

(٥) اشارة الى الآية الكريمة ، رقم : ٣٣ من سورة الرعد (رقم : ١٣) . -

(٦) جزء من حديث تتمته : « ان الله عند لسان كل قائل : فليقت امرء علم ما يقول » . وهو مروى في كتاب آفات اللسان ، (الكتاب الرابع من ربيع المهلكات ، من كتاب احياء علوم الدين للامام الغزالي ، فصل : « بيان عظيم خطر اللسان وفضيلة الصمت » . - ولم يخرج هذا الحديث الشيخ عبد الرحيم بن الحسين العراقي (المتوفى عام ٨٠٦ هـ) في كتابه « المغنى عن حمل الاسفار في تخريج ما في الاحياء من الأخبار » .

(٧) هذا عنوان جديد لكتاب « الفتوحات المكية » الشهير ؛ - بخصوص العناوين المتعددة لهذا الكتاب ، انظر : *l'Œuvre d'Ibn 'Arabî, I, p. 201.* ولم يذكر هذا العنوان الجديد هناك .

في (باب) « معرفة منزل القطب والامامين »^١ بغير شك ولا مين . وذلك ان السنة الالهية جرت في القطب^٢ اذا ولي المقام ، ان يقام في مجلس من مجالس القربة^٣ والتمكين ؛ وينصب له تحت عظيم لو نظر الخلق الى بهائه لطاشت عقولهم ، — فيقعد عليه . ويقف الامامان^٤ ، اللذان قد جعلها الله له ، بين

(١) انظر « الفتوحات المكية ... » الباب : ٢٧٠ (المجلد الثاني ، ص : ٥٧٠-٥٧٤ ، من طبعة القاهرة سنة ١٣٢٩ هـ .)

(٢) « القطب هو عبارة عن الواحد الذي هو موضع نظر الله من العالم ، في كل زمان . وهو على قلب اسرافيل » (لطائف الاعلام ، مخطوط جامعة اسطنبول ، رقم ٢٣٥٥ / ١٤١ ؛ وانظر ايضاً « اصطلاحات الصوفية » للقاشاني وابن عربي (المادة نفسها) و« رشح الزلال في شرح الالفاظ المتداولة بين ارباب الاذواق والاحوال » مخطوط مكتبة باريز الوطنية ، رقم ٤٨٠١ / ١٠١ ب . -

(٣) يقول ابن عربي في آخر كتابه : « كتاب القربة » (ط. حيدرabad ، الجزء الاول ، الرسالة السادسة ، ص : ٩) : « ... وكنت ما رأيت احداً من اصحابنا نبه عليه (= على « مقام القربة ») ولا نذب اليه . بل منع ذلك اكثرهم لعدم الذوق . فبقيت به وحيداً ... لا استطيع أفوه به من أجل منكره . إلى ان وقفت لابن عبد الرحمن السلمي في بعض كتبه عليه نصاً وسماه : « مقام القربة » - ويقول ايضاً ، في آخر الباب ١٦١ من ابواب « الفتوحات المكية » ، الذي عنوانه : « في المقام الذي بين الصديقية والنبوة وهو مقام القربة » : « ... وقد انكر ابو حامد الغزالي هذا المقام ، وقال : ليس بين الصديقية والنبوة مقام . ومن تحظى رقاب الصديقين وقع في النبوة : والنبوة باب مغلق » . إلا ان الشيخ الأكبر يدفع هذا الاعتراض بقوله : « ومع هذا ، لا يبعد ان يخص الله المفضل بعلم ليس عند الفاضل . ولا يدل تميزه عنه انه بذلك العلم افضل منه ... » . - وقبل ذلك . في هذا الباب نفسه ، يروي لنا ابن عربي قصته في هذا المقام : « هذا المقام (= مقام القربة) دخلته في شهر محرم ، سنة سبع وتسعين وخمسة ، وانسا مسافر ، بمنزل ابيجيسل (الصواب : ابيجيسل) ، ببلاد المغرب . فمته فيه فرحاً . ولم اجد فيه احداً ، فاستوحشت من الوحدة ... ولما دخلت هذا المقام وانفردت به علمت (الاصل : وعلمت) انه ان ظهر علي فيه احد انكرني . فبقيت اتبع زواياه ومخادعه ولا ادري ما اسمه... فرحلت وأنا على تلك الحال من الاستيحاش بالانفراد ... فلقيت رجلاً من الرجال بمنزل يسمى آنحال . فصليت العصر في جامعه . ف جاء الأمير ابو يحيى بن واجتن (او بجانن) . وكان صديقي . وفرح بي . وسألني ان أنزل عنده فاييت . ونزلت عند كاتبه . وكانت بيبي وبينه مؤانسة . فشكوت اليه ما أنا فيه من انفرادي بمقام انا مسرور به فبينما هو يؤانسني اذ لاح لي ظل شخص . فهضت من فراشي اليه ... فتأملت : فاذا به ابو عبد الرحمن السلمي ... » (الفتوحات ، مجلد ٢ / ٢٦١ ، ط. القاهرة سنة ١٣٢٩ هـ .)

(٤) هما شخصان : احدهما عن يمين القطب ، ونظره في (عالم) الملكوت ، واسمه «عبدالرب» ؛ والآخر عن يساره ، ونظره في (عالم) الملك ، واسمه « عبد الملك » ؛ وهو أعلى من صاحبه ؛ وهو الذي يخلف القطب » (لطائف الاعلام ، مخطوط جامعة اسطنبول ، رقم ٢٣٥٥ / ٢١ ؛ وانظر ايضاً : « اصطلاحات الصوفية » للقاشاني وابن عربي : نفس المادة ؛ و« رشح الزلال في شرح الالفاظ المتداولة بين ارباب الاذواق والاحوال » ، مخطوط مكتبة باريز الوطنية ، رقم : ٤٨٠١- / ١٠١ ب .)

يديه . ويمد القطب يده للمبايعة الالهيه والاستخلاف . وتوأم الارواح . من الملائكة والجن والبشر ، بمبايعته واحداً بعد واحد : « فانه جل جناب الحق ان يكون مصدرًا لكل وارد ، وان يرد عليه إلا واحد بعد واحد »^١ .

« وكل روح يبايعه في ذلك المقام يسأل القطب عن مسألة من المسائل . فيجيبه (القطب) امام الحاضرين ليعرفوا منزلته من العلم . فيعرفون في ذلك الوقت أي اسم الهي يختص به . ولا يبايعه إلا الارواح المطهرة المقربة ؛ ولا يسأله من الارواح المبايعة ، من الملائكة والجن والبشر ، إلا ارواحُ الاقطاب الذين درجوا خاصة . - وهكذا حال كل قطب مُبَايَعٌ^٢ ... » .

الى هنا ينتهي جواب ابن عربي عن سؤال تلميذه له بخصوص الحقيقة التاريخية للقائه بمن تقدمه من كبار الصوفية في المشرق ، وحواره معهم . ثم يستطرد الشيخ اسماعيل بن سودكين النوري فيذكر ما يأتي في نهاية مقدمته : « ... ولما تحققت في ذلك باليقين . وشرح الله صدرى بنوره المبين ، حسن الله عندي سؤالي في شرح هذا الكتاب ... فرغبت الى شيخنا ... في شرح هذا العلم الذي هو « كهيئة المكنون »^٣ . فن عليّ بشرحه ، وقلدني

(١) النص لابن سينا في كتاب « الاشارات والتنبهات » ، الجملة الاخيرة من « مقامات العارفين » (ص : ٢٠٧ ، نشر (Forget) . - والفكرة التي يحتويها نص « الاشارات ... » ويقول بها ابن عربي ايضاً ، هي من اسس نظرية الشيعة في ضرورة بعثة الانبياء ووجود الأئمة . انظر تفصيل ذلك في : « De la philosophie prophétique en Islam shi'ite », par Henry CORBIN, in *Eranos Jahrbuch*, XXXI/1962, pp. 57-66. - « Histoire de la philosophie islamique », par IBID, Tome I pp. 62-109; 132-136; 142-149; in Gallimard, Paris 1964.

أما من وجهة النظر الصوفية في الموضوع فيراجع : « مقدمة شرح التائية الكبرى » لداود القيصري ، فصل « طريق الوصول الى اصل الاصول » . -

(٢) مخطوط مكتبة الفاتح ، رقم ٥٣٢٢ / ١ب - ٢ب . - وابن عربي في كتابه « الفتوحات المكية » (المجلد الثاني ، ص : ٥٧٢ ، ٥٧٣ ، ط. القاهرة سنة ١٣٢٩) يذكر ، ما يحكيه عنه ابن سودكين في هذا الموطن بعينه . وينص هناك على انه قد خصص لهذه المسألة كتابين ، الأول بعنوان : « مبايعة القطب في حضرة القرب » (ص ٥٧١-٥٧٢) ؛ والثاني بعنوان : « كتاب معرفة القطب والامامين » (ص ٥٧٣) . - بخصوص الكتاب الأول ، يراجع : « L'Œuvre d'Ibn Arabi », R.g. n° 487 ، وبخصوص الكتاب الثاني ، نفس المرجع : R. g. n° 585 . وهذا الكتاب ، على ما يظهر ، هو عنوان جديد لكتاب « القطب والامامين » وهو لم يذكر في المرجع السابق ...

(٣) اشارة الى حديث : « ان من العلم كهيئة المكنون لا يعلمه إلا اهل المعرفة بالله تعالى ! - فاذا نطقوا به لم يجبهه إلا اهل الاغترار بالله - تعالى ! - ... » وهذا الحديث عند الصوفية من المصادر السمعية في اثبات « علم المكاشفات » . - انظر تفصيل ذلك في « احياء علوم الدين » للامام الغزالي ، المجلد الأول ، ص : ١٩-٢١ ، نشر المكتبة التجارية بالقاهرة ، من غير تاريخ . -